

یادداشت

آزاد کریمی

پیمان نوین و ضمانت اجرایی

هفته‌ی پیش فرمایشهای آقای رضاپهلوی ولیعهد دولت شاهنشاهی ایران را مطالعه کردم. متن پیام ایشان را خواندم.

به عنوان یک کسی که در ایران به دنیا آمده و با این به دنیا آمدن واجد حقوق و وظایف قانونی آن بوده‌ام، هرچند که قریب نه سال است که آنجا را ترک نموده‌ام و هرگز به قوانین و حقوق آنجا تعلق ندارم اما با عنایت به سوابق اینجانب که شهروند آن کشور بوده‌ام باید ناگفته‌هایم را بگویم هرچند که من متعلق بدانجا نباشم اما خانواده‌ام در آنجا هستند و ایرانی هستند و متعلق به آن سرزمین، پس باید به احترام این رشته‌ی عاطفی، در رابطه با امور آن کشور، آنچه را که باید بگویم می‌گویم و با تاسف که خیری از آن کشور به ما نرسید چراکه بادمجان دورقاب چینان و اپورتونیستها و آویزانه‌ها و انگلها و به قول ما کردها: افراد حیز فرصت که ترجمه‌ی فرصت طلبها می باشد همواره مانند مگسان گرد شیرینی، دور دایره‌ی قدرت چرخیدند و آن کشور بلازده را به این روز انداختند و بعدا آن عادت سخیف و حقیر را در این سالهای اخیر به بیرون از شیرینی خانه‌ی ایران آوردند و در هر جای این دنیا که توانستند کولونیهای مورد نظر را تشکیل دادند چرا که جهان از دید مگس، تنها و تنها مکانی برای چمبره زدن و لمباندن است و فنادی قدرت، ممر معاش... البته خوشبختانه یا هر چیز دیگر من با افرادی که با تهمت و افترا و هتاک و فحاشی سعی در ارباب من داشتند و دارند، هرگز سازگار نبوده و نخواهم بود و به شهادت همین نامه برای حضرتعالی که برای من حکم یک عهد برای خودم را دارد با شدیدترین شکل ممکن آنها را به سزای رفتار بی شرفانه‌ی آنها می‌رسانم.

به صراحت بگویم به عنوان یک کرد که سوابق سیاسی دارم و عضو حزب دمکرات کردستان بودم و مقالات زیادی از من روی سایت حزب مذکور راه انکار را بر من می‌بندد، اولین کردی بودم که پس از سال ۱۳۵۷ از شما به عنوان ولیعهد یاد کردم، عنوانی که حتا بر زبان بسیاری از نزدیکان شما هم جاری نمی‌شد، اما من گفتم و نوشتم و به هیچ کس هم جواب پس ندادم. درباره‌ی مومیایی رضاشاه ایران اظهار نظر کردم، با احترام از آن یاد کردم و ابراز تاسف کردم و از کارهای بزرگ ایشان یاد کردم، چیزی که نزدیکان شما هم جرئت نداشتند از آن یاد کنند به جز مادران شهبانو فرح... من تابو را شکستم، آنهم من کرد که رهبر حزب من یعنی پیشوا قاضی محمد به فرمان پدر جنابعالی محمدرضاشاه ایران شهید شدند و خواه ناخواه یک دیوار بلند میان سلطنت و مردم کردستان درست کرده همان دیواری که جمهوری اسلامی با شهید کردن رهبران دیگر حزب دمکرات یعنی دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی ایجاد کرد.

شما در هیچکدام از این قضایا دستتان آلوده نشده، خدا را شکر، اما دستهای عاری از خون شما باید خیلی تلاش کند تا دستهای موثر را که بخشهای بزرگی از آحاد کشور را با دست شما متحد می‌کند، پیدا کند و با آنها از در دوستی دربیاید و نهایتا ایران را نجات دهد.

بنابراین از زیر سایه‌ی تاریخ بیرون بیایید، لازم نیست برای اینکه همه از شما راضی باشند به عطفوت عوام چشم بدوزید. از همین رو وجود افرادی که شما را تشویق به پوپولیسم می‌کنند را در اطرافتان برنتابید.

از نگاه تحقیر آمیز به مسئله‌ی یکپارچگی ایران گذر کنید، ایران با فرهیختگی و رفاه یکپارچه می‌ماند نه با گرز و چماق.

شما مرعوب تهمت‌هایی شدید که اطرافیان‌تان به شما زدند، یکی دوبار از کردستان نام بردید شما را متهم به تجزیه‌طلبی کردند و شما ترسیدید و رفتید پشت سر آنها قرار گرفتید. یک لیدر کاریزما پشت سر مردم قرار نمی‌گیرد یا در میان آنهاست یا در جلوی مردم.

به هر حال، از جنابعالی دو سوال دارم که دغدغه‌ی اکثریت قاطع مردم کردستان ایران (آنهایی که قائل به حقوق ذاتی و طبیعی خود به عنوان قوم کرد هستند نه خودفروخته‌هایی که همیشه به دولت مرکزی در تهران خود را باخته‌اند) می‌باشد:

۱- آیا می‌توانید لفظ باطل و تفرقه‌انداز " مبارزه با تجزیه طلبی" را از ادبیات خود و ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور ایران پاک کنید و تحت هیچ فشار و ارباب و شانتاژ اطرافیان‌تان و مخالفان‌تان آن را بر زبان نیاورید؟

۲- آیا می‌توانید تضمین بدهید منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد را مبنای حقوق فردی و قومی و اجتماعی کشور قرار بدهید؟ اگر این تضمین را می‌دهید بنابراین باید مانند پادشاهان اروپا باشید و کشور تحت امر شما باید به صورت واحدهای سیاسی فدرال اداره شود. آیا می‌توانید این عهد را هم با مردمی ببندید که طرفدار این نوع سیستم سیاسی هستند؟

به صراحت بگویم، اگر به این دو سوال پاسخ بدهید و ضمانت بدهید و آن را ابلاغ کنید تا ما ببینیم و بشنویم و ثابت کنید لیدر شجاع و کاریزماتیکی هستید تا جان در بدن دارم برای موفقیت شما تلاش خواهم کرد اما اگر جواب ندهید به منزله‌ی دو چیز خواهد بود: شما انسان جابری هستید که فعلاً دستش به دشنه‌ی قدرت نرسیده است و متواضع است تا وقتی که به قدرت برسد و دمار از روزگار همه درآورد و دیگر اینکه مبنای سیستم سیاسی دمکراتیک و اصول دمکراسی اجتماعی برای شما ابزار وجهه‌سازی هستند.

از هیچ کس نترسید، یک رهبر یا یک پیشاهنگ اجتماعی حرف همه را گوش می‌کند ولی نزد خودش تجزیه تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد و اجرا می‌کند. بسیاری از ایرانیان، بسیاری و

بسیاری از ایرانیان متأسفانه دل و زبانشان یکی نیست. فردوست شردوست از آب درآمد! چه کسی باور میکرد؟

هیچ کس به اندازه‌ی من به تاریخ پادشاهان علاقه‌مند نیست اما آنها هرگز الگوی سیاسی زمان ما نیستند و نخواهند بود حتی پدر شما که چهل و سه‌سال پیش پادشاه کشور بودند. برای اینکه فویباهای آنها، آرزوهای آنها و روئیاهای آنها متعلق به لیدرها و رهبران امروز نیستند.

الان هم به شما می‌گویم پدر شما چندین بار به خواب من آمده‌اند و یک بار بسیار به صراحت به من گفتند به همه اعلام کنم که پیغام محمدرضاشاه پادشاه ایران به مردم ایران این است: همه‌ی آحاد مردم ایران از هر قوم و نژاد و دین و آیین و عقیده باید آزادانه و برابر، در ایران زندگی کنند...

این پیغام پدر شما به شما است و به همگی ایرانیها... آیا حاضرید لفظ اقلیت را از فرهنگ سیاسی خود و ایران پاک کنید؟

هرکس داعیه‌ی قدرت و سلطنت و رهبری و جمهوریت و مشروطیت دارد باید این اصل بنیادین را بپذیرد وگرنه کشور ایران به صورت کنونی نخواهد ماند و چون کشور پهناوری است آمادگی تکه‌تکه‌شدن را دارد مخصوصاً در شرایط کنونی.

و من به عنوان یک کرد که موافق هر نوع نظام دمکراتیک مبتنی بر اصول دمکراسی و عدم تمرکز قدرت در تهران و فرد اول می‌باشم، در پیشگاه خدا و به شهادت مردم جهان، جنابعالی یا هر کس دیگر را که بخواهد در راه استبداد فردی، گروهی و طایفه‌ای و خانوادگی و دینی و مذهبی و میلیتاریستی گام بردارد و با علم کردن حفظ تمامیت ارضی و مبارزه با تجزیه‌طلبی آزادیهای مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را در خاک و سرزمین کردستان پایمال کند و خون جوانان کردستان و اشک چشم مادران کردستان را جاری کند، با تمام قوا و اراده با شما و با او به دشمنی و کینه‌جویی و مبارزه برخوام خاست و تمامی جهان را با او به دشمنی بسیج خواهم کرد و تا نابودی شما یا او پیش خواهم رفت چرا که جنگ با مستبدین و خودکامگان برای تحقق آزادی گذشته از افتخار، وظیفه است.

اگر این را به صراحت اعلام کنید تاریخ ورق زرینی را خواهد نوشت اما اگر مخالفت کنید و سکوت پیشه کنید مطمئن باشید تا آخرین لحظه‌ی وجودم برای استقلال کردستان از تهران تلاش خواهم کرد.

زنده‌باد آزادی و آزادگی و شرف و راستگویی

آزاد کریمی، نویسنده و روزنامه‌نگار